



## مجاهدان خاکی

حرف اول

## رویای کودکان او

قره گوش علیا، روستایی با فاصله ی زیاد از یک شهرستان است که پاکی و صفای خانه های کاهگلی آن در هیچ کدام از برج های بزرگ و خانه های مجلل در شهر نمی توانی بیابی... قلبم با دست های کودک ده ساله که از چوپانی پینه بسته و آفتاب سوخته شده بود به شدت برد آمده است.

اینکه دنیای او در این روستای کوچک لابه لای خوشه های گندم زردار در میان کوه های سرسبز محدود شده است و رویای کودکان اش در خوب چرا بردن گوسفندان تا عصر خلاصه شده است!

کودکی که حتی آب شرب او مانع رشد اوست! و زمستان از نظر او خفگی مطلق در روستای بالای تپه که راهش بنظم از راه هایی است که آنها را صعب العبور می نامیم.

تفریح او نه بازی کلش نه استخر رو باز، نه شهر بازی و نه هزاران دلخوشی که تا بحال نثار کودکان شهری نیست.

اوقظ روزش را با طبیعی ترین داده های خداوند ذشت و دمن و کوه می گذارند...

کاش بدانی این کودک هیچ فرقی با آن کودکانی که تا خرخره در رفاه و آسایش هستند و پیتزا و لازانیا و ترامیسو... می خورند ندارد.

او نمی داند پس از گذر از جاده ی قره گوش کیلومترها آن طرف ترها کودکان هم سن و سال او در مدرسه ی هوشمندی با تبلت و پروژکتور آموزش می بینند و مدرسه ی او فقط دو کلاس دارد یکی پر از تجهیزات شکسته و بخاری نفتی که

چندین بار با جان کودکان مظلوم روستاهای کشورم بازی کرده است و یک اتاق دیگر سقش نم داده است و گچ هایش ریخته اند. این است مدرسه ی او که ورودی اش پر از سنگ و خاک است و یک

سرازیری ترسناک ولی دروغ از یک حیاط کوچک... دنیای کودکی که دیدم و کودکان امثال او خیلی پاکتر و باصفا تر از دنیای ماهاست.

کاش می توانستیم ده روز از دفتر خاطرات عمرمان را با این روستاها با این مردم با این شور و حال و حالمان را که خدایی شده است فراموش نکنیم...



برای اولین بار در استان:

## فعالیت های عمرانی در کنار خدمات بهداشتی

به گزارش روابط عمومی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه امسال برای نخستین بار در استان بسیجیان جهادگر این دانشگاه علاوه بر ارایه خدمات بهداشتی به فعالیت های عمرانی نیز پرداختند.

بسیجیان دانشگاه بعد از مشاهده وضع نامناسب برخی از مدارس روستاهای مورد نظر در حرکتی کاملاً خودجوش سعی در بهبود فضاهای آموزشی روستاهای مورد تا حد توان داشتند. دانشجویان بعد از پیگیری های مکرر از سازمان ها و افراد ذیصلاح توانستند بودجه لازم را برای رنگ آمیزی مدارس مهیا سازند.

در این حرکت دانشجویان کلاس های درس مدرسه روستای آغباش و قزلجه را رنگ آمیزی کرده و در روستای قره آغاج با طراحی نقاشی های مناسب در محیط مدرسه تلاش کردند محیطی مناسبتر برای آینده سازان کشور مهیا سازند. شایان ذکر است بودجه لازم توسط معاونت فرهنگی، آموزش و پرورش و کمک های دانشجویان جمع آوری شد.

○ که شما سفیران کار و تلاش خواهید شد. وقتی شما در یک محیطی حاضر میشوید؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار میشوید، جوانی که در آنجاست، از شما الهام میگیرد و شما میشوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «هن احياءا فکنا احيا

الناس جميعا»؛ (۴) شما دلها را زنده میکنید؛ فایدهی بزرگی است. فواید فراوانی در این کار هست. این جریان عظیم را حفظ کنید.

گزیده از بیانات مقام معظم رهبری در باره اردو های جهادی

جوابیه سفر نامه سه روزه به خوی

با نهایت تشکر و سپاس از نویسنده (سفر نامه سه روزه به خوی) و با اجازه دوستان بزرگتر بابا، عمودایی و... عرایضی داشتیم که مثلاً بگیم، ما هم اره. البته اگه ظرفیت تکمیل نباشد: اول اینکه نویسنده محترم چرا مخاطباتون رو فقط اقا در نظر گرفتین، دقیقاً منظور تون از این کار چی بوده، نه واقعا... (توضیح حداقل در ۵ سطر، دو نمره)

-خب، گفتید «دروغگو هم که هستی، خدا به دادمون برسه، خب یه بار میگفتید نمیام، خلاص... والا...»

بچه ها لطفاً کلاس آموزش (نه) گفتن رو هم در دستور کار قرار بدید

میشه بگید، در نظر داشته باشید شما رو باچی به روستا ها. به اون راه های درب و داغون برسون، مگه فردا چه شه، نکنه درخواست BMW ای، CMV ای چیزی داشتید، بخشید دیگه، یادتون که نرفته، همون همیشگی رو میگم «تحریمیم میفهمی؟؟؟»

-فرمودید دانشگاهمون رو بنفس کاری بکنند و هزینه اش رو دو برابر، تو دستی تقدیم میکنید، خبری شده آیا؟؟؟

-کنکته گنجی، منجی، چیزی، میزی، زیر میزی پیدا شده ما خبر نداریم

صورت زیبایی ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار. ظاهر و بیخیال یکم از اون زیر خاکبتون رو خرج امورات باطنی بفرمایید، مثلاً بیدید ما بریم مشهد...

از اینجا هم به گوش مسئولان میرسونما!!!! مشهد واس ماس... بعله. میگم قلم قشنگه، چون ما کشکه که هی سر راه قسم میخوری، رد میشی. مگه نمیدونی امام علی (ع) فرمودند: آنچه را که برای خویش نمیپسندید، برای دیگران هم مپسندید، یعنی من اینم باید بگم؟

ایول داره بابا! پس از دفعه بعد از جون خودتون مایه بزارید لطفاً، ممنون!!!!

-هی مخمونو خوردید که بهتون بگیم دست مریزاد، عرصه یابیتون عالی بود، ممنون، آره؟؟؟؟

میگما، تف تو ریا.

دور از جون شما هالا، من از این جساتا نمیکنم ولی اغراق بودنا!!!!

ها... چی... کجا اغراق کردین؟؟؟ چن لحظه الان میگم.

از کوچه جن گرفته، تا محدودیت آب و برق و... دیگه بماند. (الان خواهرها بخون میگن راست میگه، آب نداریم، ولی آبیای من شما جدی نگیرین، ادامه بدیم...)

خالصه، خلیم خوبه، انتظارشو نداشتیم، روحانی مچکریم.

فرمودید از کلیه خواهرانی که جان سالم بدر ببرند تست میگیرید درسته؟

از این که ما خانما با هر کمبودی که باشه جون سالم بدر میبریم مطمئن باشید، تا خدمدتون عارض شوم که اگه دستی تو شبکه دارید چند

عدد کیت برای ماتهیه بفرمایید تا شرمند اهلای نشویم، میدونید که جیره بندیه. در ضمن لازم شد که بگم، اردو هجرت و خواهران هم حسابی جهادی کار کردن رو یاد گرفتن، بدیده شده که غذا ها تا ته صرف می شوند که هیچ، بلکه به گوش رسیده که در خواست غذای اضافی هم شده.

این قسمت رو فقط خانم ها بخوندند... عزیز دلم به فکر رژیم بعد از اردو هم باشی!!!! که دلت همش ضعف می ره و مجبوری بخوری، خوددانی. (وقت طلالت می دونستید؟؟؟؟!!!!!! بخصوص الان که تو جهادیم.

یعنی این همه سلول های استوانه ای و مکعبی و مخروطی و هر چی سلول های هندسه ای بینایی و عصبی، بودن رو به کار انداختیم که ارزش به این برسیم که چی جناب عالی خواب دیدید؟! واقعاً که...

فک کنم تو این مدت حداقل می تونستید پاراسایتیولوژی تون رو مرور کنید... والا... مامانتون میگفت با گوشه بازی نکنید؟؟؟ عه!!!! خی... شما ندونی ما که می دونیم بحث سنگین تر از گیم هستش که به علت رعایت شئون اسلامی... بوق... واما نکته آخر فرمودید، این مطلب از یک دانشجوی!!!! بی مخ!!!! مگه میشه؟! مگه داریم!؟

مگه میشه، مگه داریم؟

یه نگاه به این لیست بندها: ۱. یک کیلو انگور حبه یا قوتی بدون هسته تا کستن! ۲-۵/۸۵ گرم تخمه آفتابگردون خوی، دو آتیشه بوداده شده با گلپرو آلیمو! ۳. خمیر دندان هفت کاره دورنگ blue teeth (تقلیباش اومده دقت کنید اصل باشه!) ۴. لواشک ترش هفت میوه با این درصد ها (آلبالو ۲۵ درصد، آلو ۱۹/۵ درصد، زرشک ۳۰ درصد، تمشک ۰/۷۵ درصد و...) ۵. هندونه کم هسته ی پوست نازک (شیرین نباشه هنر بنشو نمیدیم، بشرط چاقو!) ۶. سه کیلو آلو ی برغان پیوندی دیمی! ۷. یه بسته جوراب مچی کرمی کف دار نانو! ۸. سه بسته شیر پاکتی با یه ظرف ماست (ترجیحا دقت کنید گاوو گوسفنداش علف تازه خورده باشن!) ۹. نوشابه آلوئه ورا و آوو کادو با در آسان باز شو! ۱۰. کنسرو خاویار باروغن کنجد اروپای شرقی و زیتون سیاه!

دوستان عزیزم این لیستی که شما نوشتین تو اردوی مجاهدان خاکی سهله تو اردوی مجاهدان آسفالتی هم پیدا نمیشه. جدا از شوخی تو سفارش هاتون زیادی سخت نگیرید این بنده خداها علاوه بر خرید این اقلام وظایف دیگری هم دارند. مچکریم.

شخصیت های کاروان

-دهقان فداکار: آقای حامد کریمی (فداکاری بخاطر یه سبد ماست!!!!)

-مجاهد خسته: آقای عرفان سعادت (فک کنم سیر گروهت ازت خیلی کار میکشه!!)

-مجلس اردو: آقای محمد ضربی (آقا اجازه؟! یه نفس بین جلسات خب!)

-هایپر مارت اردو: آقای منصور کرامت (برادر خدا قوت!)

-شرمنده گوی اردو: خانم مکرمی (آجی گلم تیکه کلام باحالی داری!)

-عشق سوژه: خانم حیدر پور (کمی از اون دور بین دس بردار!؟)

مصاحبه با خانم سعیده مدنی

۱-چی شده تصمیم گرفتی بیای طرح هجرت؟ من به گفته حضرت آقا که تاکید می کردند وبه خاطر اینکه سهم خودم رو تو این اردوی جهادی ایفا کنم با زندگی محرومین آشنا شم.

۲-یه خاطره قشنگ که تو این دو روز داشتی رو برامون تعریف می کنی؟ حاج خانم کنار اون مسجد اومد خیلی ازمون تشکر کرد و حتی این خوب نیست که بگم ولی حتی اومد دست منو بوسید و من خیلی شرمنده شدم خیلی.

۳-به نظرت فضای طرح چطوریه؟ عالیه ولی اگه امکانات کاملتر بود بهتر میشد وما وقتمون رو صرف تهیه لوازم نمی کردیم بهتر می تونستیم به سایر کارهامون برسیم.

۴-کدوم روستا هستی و از نظر بهداشت و سطح سواد چطورین؟ بنظرت کمکی می شه در جهت بهبودی کرد؟

لبخند رنج

دور از دنیا شدم در میان بیغوله ها دنبال لبخند میگردم \* دور از تعلق شدم و در میان دل ها دنبال خدام میگردم گریه یافتم اشک یافتم، هر جا نشانی از خدا یافتم \* آتشی افروختم، غرور افتادم در آن بازهم نشانی از خدا یافتم دلی ساختم از کاه و گل دیوار روستایی باز هم نشانی از خدا یافتم \* جان بدان دیوار آرام ساختم دل از تعلق جدا ساختم جان به خدمت دادم و اشک را لبخند ساختم \* جان خستم را با یاد مولا آرام ساختم عشق است تفسیر سید علی من بدان تفسیر عرفان یافتم \* جان ساختم، عشق یافتم در آن صورت زیبا مولایم را یافتم